

هزینه دیرکرد ثبت نام کنکورهای ۱۴۰۰ چقدر است؟

داوطلبانی که بعد از مهلت مقرر نام‌نویسی در آزمون‌های ۱۴۰۰ به بعد ثبت‌نام می‌کنند باید علاوه بر هزینه‌های اصلی، مبلغ ۱۲۰ هزار تومان

هم بابت هزینه دیرکرد بپردازند.

به گزارش ایرنا، فاطمه زرین‌آمیزی، سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور در این باره گفت: داوطلبانی که بعد از بازه‌های زمانی تعیین شده برای ثبت‌نام آزمون‌های ۱۴۰۰ به بعد درخواست ثبت‌نام و شرکت در کنکورهای سراسری، کارشناسی ارشد یا دکتری و سایر آزمون‌ها داشته باشند، مشمول هزینه ۱۲۰ هزار تومانی می‌شوند که این رقم مصوبه هیات‌وزیران است که ۲۷ آبان ۹۹ به این سازمان ابلاغ شده است.

وی ادامه داد: تعدادی از داوطلبان بعد از پایان مهلت‌های تعیین‌شده ثبت‌نام، درخواست خود را برای نام‌نویسی در آزمون ارسال می‌کنند و این در حالی است که با اتمام مهلت، پرونده ثبت‌نام‌ها برای انجام سایر فرآیندهای اجرایی آزمون بسته می‌شود.

سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور با بیان این‌که ثبت‌نام با تاخیر داوطلبان بعد از مهلت مقرر برای سازمان سنجش هزینه به‌دنبال دارد، افزود: هر داوطلبی که بعد از زمان مقرر، ثبت‌نام می‌کند فایل‌های حوزه‌بندی و حوزه‌های اجرایی به‌هم ریخته می‌شود؛ شاید عده‌ای بر این باور باشند ثبت‌نام یک داوطلب، مسأله‌ای برای این سازمان ایجاد نمی‌کند و کار راحتی به‌نظر می‌رسد، در حالی که این‌طور نیست و هزینه‌های بیشتر از ۱۲۰ هزار تومان به‌دنبال دارد.

زرین‌آمیزی عنوان کرد: این هزینه به حساب دولت واریز می‌شود و در واقع هدف از آن، ضابطه‌مند کردن داوطلبان برای ثبت‌نام در مهلت مقرر است. رقم ۱۲۰ هزار تومان در مقابل هزینه و انرژی که از سازمان سنجش آموزش کشور صرف می‌شود، رقم زیادی به‌نظر نمی‌رسد.

وی ادامه داد: هزینه دیرکرد ۱۲۰ هزار تومانی براساس برخی گزارش‌ها از سازمان‌ها و نهادهای بالادستی مصوب شده است و سازمان سنجش آموزش کشور به‌عنوان یک سازمان اجرایی، نقشی در تعیین این مبلغ نداشت.

به گفته سخنگوی سازمان سنجش آموزش کشور، داوطلبانی‌که در مهلت مقرر برای آزمون‌های ۱۴۰۰ به بعد ثبت‌نام کنند، مشمول این هزینه نمی‌شوند.

جریمه متاخرین

با یک حساب سرانگشتی مبالغی که هر داوطلب باید بابت هزینه دیرکرد در آزمون‌های سراسری، کارشناسی ارشد و دکتری ۱۴۰۰ به بعد بپردازد به دست می‌آید.

این مبلغ برای داوطلبان کنکور سراسری به این شکل است: اگر داوطلبی با تاخیر در آزمون سراسری ۱۴۰۰ شرکت کند، با فرض این‌که متقاضی ثبت‌نام در سه گروه آزمایشی (شامل یک‌گروه آزمایشی اصلی و دوگروه آزمایشی فرعی هنر و زبان‌های خارجی)، دانشگاه پیام نور یا دانشگاه‌های غیردولتی باشد یا احتساب ۱۲۰ هزار تومان هزینه دیرکرد باید مبلغ ۳۱۰ هزار و ۲۵۰ تومان برای ثبت‌نام بپردازد. هزینه شرکت در هر گروه آزمایشی کنکور ۵۴ هزار تومان، هزینه اعلام علاقه‌مندی در دانشگاه پیام نور یا غیردولتی به صورت جداگانه ۱۳ هزار و ۷۰۰ تومان و هزینه دریافت پیامک هم ۸۵۰ تومان است.

این هزینه برای داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد نیز از این قرار است: داوطلبی که با تاخیر در کنکور کارشناسی ارشد سال آینده شرکت می‌کند، با فرض این‌که هزینه کارت علاقه‌مندی ۹۰ هزار تومانی برای مجموعه امتحانی اصلی و فرعی (شناور) به‌صورت جداگانه، هزینه کارت علاقه‌مندی در یکی از دانشگاه‌های پیام نور یا غیردولتی (مبلغ ۱۳ هزار و ۷۰۰ تومان به صورت جداگانه) و همچنین هزینه دریافت پیامک (۸۵۰ تومان) می‌پردازند، مبلغ ۱۲۰ هزار تومان هم جریمه به این رقم اضافه می‌شود و در کل مبلغ ۳۲۸ هزار و ۲۵۰ تومان باید برای ثبت‌نام پرداخت شود.

داوطلبان کنکور دکتری نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ هزینه ثبت‌نام در کنکور دکتری ۱۵۰ هزار تومان، هزینه دریافت پیامک هم ۸۵۰ تومان و هزینه دیرکرد ۱۲۰ هزار تومان است. داوطلبی که با تاخیر ثبت‌نام می‌کند در کل باید ۲۷۰ هزار و ۸۵۰ تومان بپردازد. **✎**



وام‌هایی که بر روی اموال منقول و غیرمنقول داده می‌شود، دارای بهره‌های سنگین تا شش میلیون تومان در ماه برای ۱۰۰میلیون تومان است

ایران از واکسن‌سازهای بزرگ جهان می‌شود

سعید نمکی، وزیر بهداشت گفت: ایران تا سه ماه آینده یکی از واکسن‌سازهای بزرگ جهان در مقابله با ویروس کرونا می‌شود. وی افزود: تا سه ماه آینده اکثر گروه‌های آسیب‌پذیر را واکسینه می‌کنیم و سه ماه بعد ۷۰ درصد گروه‌های پرخطر نیز واکسینه خواهند شد. وزیر بهداشت ادامه داد: ما برخلاف برخی از کشورهای همسایه اجازه



ماجرای آگهی‌های عجیب و غریب پرداخت وام‌های یک‌ساعته براساس خودرو، دلار، سکه و سیمکارت چیست؟

معمای وام‌های فوری

آدم‌های پول‌لازم از یک سو و صاحبان سرمایه از سوی دیگر سوژه این گزارش‌اند، کسانی که با یک آگهی به هم وصل می‌شوند و دست به معاملاتی می‌زنند که می‌شود با شک نگاهشان کرد، یانه، شک را کنار گذاشت و روی پول‌هایی متمرکز شد که میان آنها رد و بدل می‌شود. صاحبان سرمایه پولشان نقد است، ولی آدم‌های پول‌لازم فقط کالا دارند که وسط بگذارند، چیزهایی مثل ملک، خودرو، دلار، طلا یا همین سیمکارت‌های ناقابل که توی گوشی همراه همه ما هست. اگر دو طرف این معامله اراده کنند وام خیلی زود به آدم‌های پول‌لازم می‌رسد، شاید چند ساعت، به ادعای برخی‌شان حتی نیم‌ساعت. این وام‌ها در دل خود به صف‌های طولانی که در بانک کارگشایی تشکیل می‌شود و تابستان امسال در بحبوحه هجوم کرونا، هزاران پول‌لازم تنگ‌دست را کیپ هم نشانند تا خرده طلاهای خود را گرو بگذارند و بعد از چهار ماه انتظار اندک وامی بگیرند، می‌خندند. وام‌هایی که ما دنبالشان کرده‌ایم داستان مفصلی دارند. این وام‌ها خیلی زود به حساب متقاضیان واریز می‌شوند ولی صاحبان سرمایه یا به شرکت‌های سرمایه‌گذاری‌اند، یا کسانی که دفاتر حقوقی را واسطه کرده‌اند یا کسبه‌ای که سرمایه‌ای دارند و در این اقتصاد راکد، به دادن وام رو آورده‌اند، در ازای سرعت عمل‌شان، سودهای بزرگی می‌گیرند که گاه لرز به اتمام‌ها می‌ریزند. وام‌هایی که بیشتر همان نزول خواری سابق است البته با یک اسم و رسم شیک‌تر.

مریم خباز
نگار خانعلی زاده
جامعه

وام بلبشوی سیمکارت



کسانی که سیمکارت را گرو برمی‌دارند و در ازایش به صاحبان سیمکارت وام می‌دهند، بیشتر دنبال شماره‌های رند می‌گردند اما به شماره‌های معمولی هم وام می‌دهند ولی رقم‌های کوچک، دختر جوانی آن سوی خط به محض شنیدن شماره سیمکارت ما که رند هم بود، گفت ۲۸ میلیون تومان وام می‌دهد و ماهی ۵ درصد سود می‌گیرد که یا می‌توانیم یک‌ساله آن را پس دهیم یا به روش مضاربه‌ای در عرض سه‌سال مبلغ را بر می‌گردانیم.

روش یکساله همان است که هر ماه سود به‌علاوه بخشی از اصل پول را می‌دهیم و روش مضاربه‌ای همان است که می‌گویند سود

نخواهیم داد تا زمانی که واکسنی به مرحله تایید کامل نرسد و کوچک‌ترین عارضه‌ای داشته باشد مورد استفاده قرار گیرد. نمکی با بیان این‌که محاسبات موسسات بین‌المللی این بود که مرگ در کشور ماه آذرماه به ۱۳۰۰ نفر می‌رسد، گفت: متأسفانه آمریکا بیش از ۵۰۰۰ مرگ را به ثبت رساند و در بسیاری از کشورهای بزرگ با مرگ بیش

۶میلیون تومان ناقابل

گفتیم صد میلیون تومان وام می‌خواهیم و دار و ندارمان از این زندگی همین خودروی زیر پای ماست. بعد مردی که آن ور خط بود سئوالات رگباری‌اش را شروع کرد؛ پلاک تهران؟ مدلتش چیه؟ رنگ داره؟ خودرو که دودا دور به دلش نشست، دعوتمان کرد به دفترش در خیابان «س» برای قیمت‌گذاری. اما چون دید آتش وام گرفتن‌مان تند است، فرض را گذاشت بر صحت ادعاهای ما در مورد خودروی آلبالویی رنگ و گفت صد میلیون تومان وام را می‌دهد به شرط این‌که هر ماه شش میلیون تومان سود پول را به حسابش واریز کنیم و هر وقت دلمان خواست اصل پول را بدهیم.

هر وقت دلمان خواست از نظر این مرد لطف بود، ولی به تعبیر ذهن حسابگر ما می‌شد پرداخت ماهی شش میلیون تومان به عنوان بهره تا روزی نامعلوم که بتوانیم صد میلیون تومان را که اصل پول است، بازگردانیم. نشان دادیم این وضع توی ذوقمان زده و او با لحنی که نرم‌تر شده بود گفت در عرض خودرو هم به نام خودت و هم زیر پای خودت است و فقط در رهن ما می‌رود.

ماشین که به رهن برود، مثل خانه‌ای است که به رهن می‌روی و روی لبه تیغ قرار می‌گیرد، طوری که اگر اقساط‌شان را ندهی، ماشین و خانه هم می‌رود. خودمان را دو دل نشان دادیم چون این مرد خودرو را صد میلیون تومان زیر قیمت اصلی در رهن خود می‌برد، یعنی که اگر به هر دلیل اقساط را نمی‌پرداختیم او برنده ماجرا بود و ماشینی در اختیار داشت که صد میلیون تومان زیر قیمت بازار خریده بود. با این حال خودمان را آرام نشان دادیم و قرار خیابان «س» سپس قرار محضر را گذاشتیم.

سود طلا ۳ درصد

اواخر مکالمه فهمیدیم طرف طلافروش است و در خیابان «ک» مغازه دارد ولی چون خرید طلا به خاطر گرانی تقریباً متوقف است، او سرمایه‌اش را به کار گرفته تا بهره و ربا، جور بازار کساد را بکشد. با او قرار نیست به محضر برویم و هرچه بشود میان خودمان و بریمتای توافق دست‌نویسی است که جفتمان پایش را امضا می‌کنیم؛ ما صد گرم طلا می‌آوریم و او صد میلیون تومان به ما وام می‌دهد با بهره ۳ درصد در ماه که باید سروقت پرداخت شود به قرار هر ماه سه میلیون تومان.

بازهم توی ذوق مان خروده چون با پرداخت ماهی سه میلیون تومان قسط بازهم اصل پول را بدهکار می‌مانیم، همچنین طبق حساب و کتاب ذهن‌مان اگر این طلافروش صد میلیون تومانش را در بانک بگذارد و سود بگیرد فقط کمی بیشتر از یک میلیون تومان عایدش می‌شود، نه سه میلیون تومانی که از ما می‌خواهند.

طلافروش که بوی تردید ما را استشمام کرده، می‌گوید راستی اگر بخواهی می‌توانی هرماه با پرداخت سود و بخشی از اصل پول، قطعه‌ای از طلا به اندازه پولت را پس بگیری، اگر هم واقعا دولتی می‌توانی اصلاً از خبر وام گرفتن بگذری و بروی بانک کارگشایی. او این جمله آخر را با پوزخند گفت، چون او داستان بانک کارگشایی در ماه‌های اخیر را می‌داند و خبر دارد مدت زمان انتظار برای پرداخت وام قرض‌الحسنه روی طلاهای مردم که قبلاً یک‌روزه بود به چهارماه تبدیل شده و وامی که قبلاً سودش ۴ درصد بود حالا به ۱۸ درصد به علاوه ۴ درصد کارمزد تبدیل شده است.

کلامان را که قاضی کنیم کنار آمدن آدم‌های پول‌لازم با طلافروش آسان‌تر از کنار آمدن با بانک است؛ چون هرچه نباشد طلافروش آدم مستاصل را منتظر نگه نمی‌دارد ولی خب کسی که پول‌لازم است باید خرج هم بکند، چون کاسبی که نزول خواری می‌کند، انتظار زایش پول از سرمایه‌اش را دارد.



دلار به شرط ۵میلیون تومان قسط

بازار دلار هاست در کشورمان سکه است و بازاری است که سوخت و سوز ندارد و اگر هم به‌ظاهر دارد، سوخت و سوزی گذراست که با کمی صبر جبران می‌شود. یک صراف بود که با ما حرف می‌زد و می‌شنید ما آگهی‌اش را در سایت «د» دیده‌ایم و در ازای هزاردلاری که در اختیار داریم، صد میلیون تومان وام می‌خواهیم. مرد بدون معطلی گفت هزاردلار که کم است و باید کمی بیشتر از صد میلیون تومان برایش دلار ببریم تا او هم بلافاصله بدون این‌که کار را سخت کند و ما را به محضر ببرد و قرارداد رسمی بنویسد، صد میلیون تومان به حسابمان واریز کند.

تا اینجا کار چاره‌ای جز قبول برای آدم‌هایی که تحت فشارند و مجبورند به چنین وام‌هایی تن بدهند، نیست. مشکل فقط نبود قرارداد رسمی است که البته صراف می‌گوید چون تا ۹۰ درصد ارزش دلارهایمان وام می‌گیریم، نیازی به دلوپس شدن نیست. مشکل اما از توافق بر سر سودی که باید پرداخت شود، شروع می‌شود. یک سود ماهانه به ارزش پنج میلیون تومان اگر بخواهیم صد میلیون تومان وام را یکساله برگردانیم.

کسانی‌که به سکه‌های مردم وام می‌دهند نیز همین طرز کار را دارند و به اندازه وام درخواستی از افراد سکه مطالبه می‌کنند، به علاوه سود از ۳ درصد به بالا در ماه.

وام گرفتن روی دلار و سکه اما به دلیل نوسانات مداوم آنها به احتمال زیاد در اغلب اوقات به ضرر مشتری است چون وام‌دهنده با دلارها و سکه‌هایی که گرو می‌گیرد کار می‌کند و از افزایش قیمت آنها سود می‌برد و همزمان از صاحب این دلارها و سکه‌ها نیز سود می‌گیرد، درحالی‌که اگر آدم‌ها، پول لازم نبودند، خودشان می‌توانستند از بابت نوسانات قیمت‌ها سود کنند نه این‌که هم از این سود محروم شوند و هم مجبور به پرداخت سود به وام‌دهنده‌ها بشوند.

پیش نمی‌آمد تا خارج از بازار آزاد اقدام شود.

به گفته این کارشناس اقتصادی اگر بهره‌های بانکی با

تورم تناسب منطقی داشته باشد و افراد بتوانند به اندازه

کافی از سیستم بانکی تأمین بشوند، آن‌وقت کسانی

که سرمایه‌ای دارند در همان سیستم، بهره‌ای منطقی

دریافت می‌کنند و چنین نظامی شکل نمی‌گیرد.

اقتصاد رسمی می‌لنگد و این باعث می‌شود مردم به

سمت و سوی نظام اقتصادی غیررسمی تمایل پیدا

کنند. او توضیح می‌دهد: دشواری تأمین مالی بانک‌ها و

از رونق افتادن کسب و کارها مهم‌ترین دلیل رونق گرفتن

وام‌هایی این چنینی است؛ در صورتی‌که اگر نرخ بهره

بانک‌ها بر مبنای اصول بازار آزاد تعیین می‌شد، فرصتی

با این حال بازار چنین وام‌ها و تعاملات مالی درکشورمان

داغ است و عده‌ای سودهای خوبی از آن کسب می‌کنند، با

این‌که مهدی‌آدان باور دارد در چنین کسب و کارهایی

که پشت‌توانه قانونی ندارند حتماً آسیب‌هایی هم وجود

دارد؛ مثل این‌که سیستم رباخواری فربه‌تر می‌شود و

عده‌ای را ورشکسته و جامعه را گرفتار تنش می‌کند. **✎**